

جناب دوشوکی به تندی بیشتر از آنچه در مقاله خود به سکولار دموکرات های شبکه "شبکه جهانی سکولارهای سبز ایران" نسبت میدهد به آن حمله کرده است. ظاهراً سکولاریسم و یا سکولاریسم نو که نام کتابی است که دکتر نوری علا آنرا نوشته است کانون مقاله پرخاشگرانه ایشان به شبکه است. هر ناظر منصفی که تلاش سیاسی شبکه سکولار دموکرات ها را دنبال مینماید میداند که سکولاریسم یکی از بنیادهای شبکه در میان دیگر بنیادهای آن مانند دموکراسی، اتکا به بیانیه حقوق بشر، یک پارچگی ایران و ساختن آلترناتیو حکومت جمهوری اسلامی و انحلال آن است. البته اهداف دیگری هم سکولار دموکراتها برای خود معین کرده اند که در همایش تورنتو مطرح و در باره آنها گفتگو شد که ظاهراً نظر ایشان را جلب نکرده است. تاکید به سکولاریسم حکومت جایگزین حکومت اسلامی از طرف شبکه جوهر انتقاد ایشان را در برمیگیرد.

ایشان برای اثبات امکان وجود اندیشه مذهبی در حکومت به انگلستان اشاره کرده اند که در آن پادشاه هم رئیس کشور و هم رئیس کلیسا انکلیکن است. گذشته از اینکه بدون بیان علت تاریخی داشتن این دو منصب توسط پادشاه که بیرون آوردن کلیسای انگلستان از زیر حاکمیت پاپ در روم و در نتیجه جلوگیری از دخالت کلیسای عصر تاریکی روم در اصلاحات سیاسی و اقتصادی انگلستان بود، و همچنین داشتن هر دو منصب کاملاً جنبه تشریفاتی دارد و سرهای آن پادشاهانی که این مقام تشریفاتی را نپذیرفتند بباد رفته است. در هر صورت ایشان مسیحیت امروز غرب را با اسلام سیاسی حاکم بر ایران نمیتوانند مقایسه کنند و مقایسه درست آن با عصر تاریکی اروپا پیش از رنسانس است که ما را به قرن چهاردهم اروپا میرسد. در ادامه ایشان به سکولار بودن رژیم های کمونیستی و دیکتاتورهای معاصر عرب اشاره کرده اند بدون اینکه توجه کنند که بنیاد اولی کمونیسم در رابطه با مذهب و دومی دیکتاتورهای مدرن در رابطه با مذهب است. همانطور که ما میدانیم پیش از انقلاب 1357 سکولاریسم در ادبیات سیاسی جای چندانی نداشت و مردم سکولار ایران آنچنان مبارزه نیروهای دموکرات و مترقی در انقلاب مشروطیت با اسلامی سیاسی را به فراموشی سپرده بودند که بدام خمینی و همدستان او که کمونیست ها و بخش مخالف دکتر بختیار در جبهه ملی بود افتادند. در حال حاضر با وجود رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی طبیعی است که شبکه دموکرات ها سکولاریسم را با نام خود عجین کنند. همانطور که جناب دوشوکی اذعان مینمایند سکولاریسم غربی در جدال با مسیحیت نیست بنابراین معین نیست چگونه ایشان سکولاریسم دموکرات های شبکه را ضدیت با دین تعبیر مینمایند در صورتیکه دموکرات های شبکه بروشنی جدائی حکومت از مذهب را سکولاریسم تعریف میکنند. در اینجا مشاهده میشود که جناب دوشوکی استدلالی مشابه ماشین تبلیغات سیاسی جمهوری اسلامی را برای عوام مذهبی مینماید که بیشتر شامل تحصیل کرده های مذهبی میشود تا بیسوادان و بنادرستی سکولاردموکرات ها را به اسلام ستیزی متهم و سکولاریسم را جزم اندیش پرخاشگر مینامد.

اندیشه بنیادی دیگری که بشدت توسط سکولار دموکرات های شبکه پیگیری میشود اتحاد نیروها و شخصیت های سکولار دموکرات با در نظر گرفتن برنامه سیاسی مدون شبکه است. ظاهراً جناب دوشوکی بدون توجه به علت نپیوستن دکتر نوری علا به اقدام به اتحاد نیروهای سیاسی که اصولاً مجموعه ای آشکار و پنهان از کمونیست ها و جبهه ملی هاست با سیاسیت هائی که انباشته از مماشات با جمهوری اسلامی و حمایت از آن با گذستن از کوچه پس کوچه های سیاسی است و در نهایت به پایداری حکومت اسلامی منجر میشود توجه نکرده اند. بعد از 32 سال برای دموکرات ها با ریشه در اندیشه های متجدد انقلاب مشروطیت و دست آورده های بر باد رفته آن در انقلاب 57 بخوبی آشکار شده است که چگونه سکولاهای متحد خمینی در انقلاب 57 بهر دست آویزی متوسل میشوند تا عمر ننگین حکومت اسلامی را طولانی تر کنند. شاید به همین دلیل باشد که به دو اندیشه بنیادی سکولار دموکرات ها که انحلال حکومت جمهوری اسلامی و ایجاد آلترناتیو سیاسی برای آینده ایران است در مقاله ایشان به آن زیاد توجه نشده است و یا نادیده گرفته شده است. بدون شک و تردید تنها نیروی سیاسی که در حال حاضر در حال جنگ با حکومت اسلامی است شبکه سکولار دموکرات هاست. در این مبارزه طبیعی است که سکولار دموکرات ها با مذهبی های سیاسی که هدفشان اصلاحات در رژیم اسلامی است و معتقد به دخالت مذهب در سیاست هستند برای جلب افکار عمومی در گیر مجادله انیشورزانه شوند که آنرا جناب دوشوکی بنام سکولاریسم پرخاشگر و غیره نامیده اند. اینطور که از مقاله جناب دوشوکی آشکار است و همچنین گذشته آن به انقلاب 57 و پیش از

آن میکشد سکولار دمکرات ها در سنگر دیگری که سکولارهای هم پیمان اسلامی ها را تشکیل میدهند و بیشتر شامل کمونیست ها و جبهه ملی های کهنسال میشود که دلبستگی هائی آشکار و پوشیده به رژیم اسلامی دارند نیز باید مبارزه کنند.

آشکار است که تنها اصلاح طلبان مذهبی نیستند که امیدشان را به آقایان کربوبی و موسوی بسته اند و مدعیان سکولار و دموکراسی خواهی مانند نویسنده منتقد ما نیز چنین امیدی را در دل میپروراندند. این دو گروه سیاسی اسلامی و سکولارهای پیوسته به اسلامی ها از بدو تاسیس شبکه سکولار دمکرات ها با هدف تشکیل آلترناتیوی برای جمهوری اسلامی پس از انحلال آن شبکه را یک حرکت انحرافی خواندند و بر ضد آن سخن پرآکنی کردند با اینکه شبکه هیچ مخالفتی با پیشرفت اقدامات آقایان کربوبی و موسوی نکرده و نمیکنند و تنها به پیشرفت تشکیلاتی، انسجام و بقای شبکه تاکید کرده و تا بحال پویایی نیروی خود را نشان داده است. به نظر میرسد آنچه مخالفت جناب دوشوکی و همگرایان ایشان را برمیآنگیزد وجود و پیشرفت سیاسی شبکه سکولار دمکرات ها است. در حالیکه چون ایشان خود را یک سکولار و همینطور طرفدار دموکراسی میدانند و بخاطر تمایل سیاسی تکثرگرایی خود نباید از وجود شبکه و موضع محکم آن در برابر جدائی حکومت و مذهب استقبال نکند. نکته قابل توجه در نوشتار ایشان این است که تاکید به سکولاریسم در حکومت آیند ایران سر چوبی است که سر دیگر آن بمعنی دین مردم معرفی شده است، در این تعبیر از سکولاریسم تعقل حزب الهی آشکار است که تبلیغات حزب الهی آنرا برای ایشان به یک واقعیت و حقیقت تبدیل کرده است در صورتیکه میلیون ها ایرانی مهاجر به خارج و مخالفت اکثریت مردم با حکومت اسلامی و اتکای آن به نیروهای امنیتی و نظامی خلاف آنرا به ما نشان میدهد. جناب دوشوکی این چنین میگویند و نظریه پردازی مینمایند "و اینگونه است که مروجان سکولاریسم بجای اینکه آن را در چهارچوب حکومت مردم (دموکراسی)، برابری، حقوق بشر، تکثر گرایی و اصالت علم و عقل و اراده انسان آزاد، معرفی و ترویج کنند؛ سکولاریسم را بصورت یک مقوله انتزاعی در جدال با بظاهر طرفداران دین، و از منظر توده ها با خود دین، مطرح میکنند". گذشته از اینکه این نظریه پردازی پر از ابهام و کلی گویی است و ایشان احتیاج دارد هر کدام از وظایفی را که تعیین کرده اند میباید در باره اشان توضیح دهند و در آن مفروضات نادرست وجود دارد، بنظر میرسد جناب دوشوکی از روبرو شدن با اسلام سیاسی با فرض نادرست "در جدال با بظاهر طرفداران دین، و از منظر توده ها با دین" خوف دارند و یا اینکه از روی دلبستگی است. در صورتیکه واقعیت تاریخی آموزش دیگری بما داده است. و چون ما شاهد حاکمیت اسلام سیاسی بعد از بیش از نیم قرن بیرون از سیاست بودن بصورت جمهوری اسلام هستیم؛ نیروهای مردمی و دمکرات این بار برای همیشه باید اسلام سیاسی را از سپهر سیاسی ایران اخراج کنند همانطور که غرب اینکار را بامسیحیت سیاسی کرده است.

کسانیکه مدعی سکولار بودن و دموکراسی خواهی هستند در حال حاضر با یک انتخاب آشکار روبرو هستند آنها باید به صراحت اعلان کنند که بین اصلاح طلبان مذهبی و شبکه سکولار دمکرات ها کدام را انتخاب مینمایند. اگر به انتخاب های سیاسی نیروی سیاسی که بنام جبهه ملی شناخته شده است توجه کنیم مشاهده خواهیم کرد که همواره انتخاب های سیاسی تاریخی اشتباهی را از میان دو انتخاب سیاسی که داشته اند با نتایج دراز مدت برای مردم ایران انجام داده اند. بین سال های 1320 و 32 که دموکراسی انقلاب مشروطیت زندگی دوباره ای یافته بود و نهالی بود که بشدت نیاز به پاسداری داشت، جبهه ملی بین دو انتخاب معین یعنی پاسداری از دموکراسی مشروطیت و ملی کردن نفت، ملی کردن نفت را انتخاب کرد و بقای دموکراسی در ایران را فدای ملی کردن نفت کرد و برای ناکامی هر دو آنها نقشی اساسی بازی کرد. در انقلاب 57 بین دو انتخاب سیاسی کاملاً آشکار و روشن دولت ملی و سکولار مشروطه دکتر بختیار و رژیم اسلامی خمینی و حزب الله، جبهه ملی با افتخار خمینی و حزب الله را انتخاب کرد و در نابودی دست آوردهای انقلاب مشروطیت نقشی تعیین کننده بازی کرد. این است انتخاب های سیاسی نیروی سیاسی که بنام جبهه ملی میشناسیم. و در حال حاضر بقایای این نیروی سیاسی که احتمالاً جناب دوشوکی به آن تعلق دارد آشکارا نیروی سیاسی شبکه سکولار دمکرات های متکی به حقوق بشر و انحلال طلب را به نفع اصلاح طلب ها مذهبی میکوبد و نام آنرا ملی گرایی و طرفداری از مردم ایران مینگذارد.

انتخاب های سیاسی نیروها و شخصیت های سیاسی گذشته و امروز ایران را ساخته است. هر چند مشکل میتوان سیاست پیشه ای در ایران پیدا کرد که با مفهوم مسئولیت انتخاب سیاسی آشنا و به آن معترف باشد و آشکارا به هر دست آویزی متوسل میشود تا مسئولیت خود را در نگون بختی ایران نپذیرد. شبکه سکولارهای دمکرات یک انتخاب تاریخی در برابر سیاست پیشه های ایران گذاشته است و پیروزی آن نقطه عطفی در تاریخ ایران خواهد بود که ریشه اش در انقلاب مشروطیت است. مردم ایران سزاوار یک نیروی مترقی سکولار و دمکرات هستند و بهیچوجه احتیاج ندارند از اسلام سیاسی مسئول ویرانی ملی کشور درخواست اصلاح شدن کنند. خرده گیری مانند جناب دوشوکی باید در نظر داشته باشند که با چه جریان تاریخی سازنده، ملی و دمکرات روبرو هستند و چگونه دشمنان سربلندی ایران از این جدال داخلی سکولارها با تعلق های سیاسی متفاوت بهره برداری مینمایند.

